

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

گردآوری و برگردان از: حمید محوی
اول اگست ۲۰۱۲

[از هیروشیما تا بغداد]

۴

اعلامیه

نامه سرگشاده برای تمام فعالان حقوق بشر

در خصوص محصولات

ایالات متحده امریکا و اروپا



وبلاگ «هیروشیما بغداد» را که بعضاً تحت عنوان «فاجعه کاربرد اورانیوم رقیق شده در جنگ های معاصر» منتشر شده است، چندین بار و آخرین بار به تاریخ ۱۰ اپریل ۲۰۱۰ به سایت کانون فعالان حقوق بشر ارسال داشتیم.

<http://www.humanrights-ir.org/>

dhrc.ir@gmail.com

در این جا به فعالان حقوق بشر و نمایندگان آن و خصوصاً خانم شیرین عبادی و عبدالکریم لاهیجی برای چندمین بار اعلام می کنیم که در صورتی که در مورد موضوع وبلاگ ما در آدرس زیر

<http://stopua.blogfa.com>

عکس العمل نشان ندهند، و در سطح بین المللی به وظایفی که مدعی آن هستند عمل نکنند، ما فعالان حقوق بشر ایرانی را در اتحاد و اتفاق با چنین جنایاتی خواهیم دانست و بر همین اساس با آنها رفتار خواهیم کرد. تمام قربانیان این نظام ضد بشری به ما تعلق دارند ولی فعالان حقوق بشر ایرانی و تمام فعالان اجتماعی باید قویاً جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند تا واقعیت سونامی سرطان در ایران را در رابطه با گسترش اورانیوم رقیق شده تحت نیابت سازمان حفاظت محیط زیست و دیگر نهادهای بهداشتی در کشور مورد بررسی قرار داده و نتایج را به اطلاع عموم مردم جهان برسانند. زیرا چنین مسائلی به منافع حیاتی تمام مردم جهان بستگی دارد.

امریکا و اروپا جنایت می کنند، طرفداران حقوق بشر با سکوتشان حمایت می کنند

حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۲۰۴۰۲۰۱۰

<http://stopua.blogfa.com/1389/01>

این اعلامیه با تمام اشتباهاتی که در آن وجود دارد در این تاریخ یعنی تقریباً دو سال و سه ماه بعد به همان شکل منتشر می شود. با این وجود باید یادآوری کنم که اصطلاح اصلی برای اورانیوم رقیق شده، در واقع اورانیوم ضعیف شده است که من در جاهای دیگر تصحیح کرده ام.

نکته بعدی این است که شعاری که پایان نامه مطرح کرده ام، کاملاً بی مورد و اشتباه است. زیرا طرفداران حقوق بشر نه تنها سکوت نمی کنند بلکه در همکاری با جنایاتی که غرب و دولت و ملت های غربی مرتکب می شوند فعال بوده اند، و به عبارت دیگر مستقیماً در تمام جنایاتی که انجام گرفته جزء مجرمین شماره یک هستند.

حمید محوی – ۱۰ جولای ۲۰۱۲. پاریس

تولد کودکان هیولانی در ایران

پارازیت یا اورانیوم ضعیف شده؟

چندی پیش در فیس بوک گزارشی درباره تولد کودک عجیب الخلقه ای منتشر شد که بر حسب عادت دیرینه و یا صحیح تر خواهد بود بگوئیم بر حسب وظیفه دیرینه نزد اپوزیسیون های «ایرانی»، آن را به پخش پارازیت توسط جمهوری اسلامی برای جلوگیری از مراودات اطلاعات بین داخل و خارج ایران نسبت دادند. متأسفانه لینک مربوط به این موضوع گویا که یا حذف شده و یا این که جایش عوض شده. در هر صورت مطلب زیر پاسخ من به چنین برداشتی است.

متأسفانه اطلاعات علمی من اجازه نمی دهد در این زمینه به طور قطع اظهار نظر کنم و با اطمینان بگویم که چنین پدیده ای، یعنی به دنیا آمدن کودکان هیولائی، حتماً به دلیل ارسال پرازیت های ماهواره ای توسط جمهوری اسلامی بوده است.

ولی در یک مورد با اطمینان کامل می توانیم بگوئیم که استفاده از بمب های اورانیوم ضعیف شده توسط ایالات متحده آمریکا و همپیمانانش، دست کم در جنگ علیه عراق و افغانستان موجب ضایعات طبیعی بسیار گسترده و پایدار در منطقه خاورمیانه و حتی در سطح جهانی شده است.

به اعتبار گزارشاتی که ما در همین وبلاگ در مورد کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده منتشر کرده ایم، می دانیم که کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده در عراق و افغانستان کشورهای متعددی را آلوده ساخته و از جمله این کشورها ایران از هر دو سوی مرزهایش از شرق و غرب مورد تهاجم غبارهای آلوده به اورانیوم ضعیف شده بوده و هست.

ولی لازم به یادآوری است که در این مورد خاص مثل تمام مسائل و موضوعات دیگر خصوصاً اپوزیسیون های ایرانی مستقر در خارج بر حسب عادت یا وظیفه ای دیرینه تمام انتقادات دسته دومشان متوجه جمهوری اسلامی بوده و از سوی دیگر غرب امپریالیست را به عنوان دموکراسی و نماد قانونمدار تلقی می کنند.

در اینجا باید از عارضه بنیادی این اپوزیسیون ها یاد کنیم که بی گمان می توانیم آن را در اشکال اختلال در عملکرد زبان و بیان بازشناسی و مورد بررسی قرار دهیم. اپوزیسیون های ایرانی که در خدمت طرح جنایتکارانه دولت - ملت های اروپائی و آمریکا هستند، پا به پای رسانه های حاکم در غرب، دائماً عملکرد زبان را مختل می سازند. موضوع اختلال در عملکرد زبان، از جمله توسط پژوهشگرانی مانند ژان کلود پای در زمینه علوم انسانی در چند مقاله مطرح شده و ما نیز باید به شکل اساسی تری در آینده به این موضوع بپردازیم، و اشارات نویسنده این مقاله را نیز تنها به عنوان طرح موضوع بپذیرید.

به همین علت از آن جایی درک و بیان حقیقت جزء فعالیت های اپوزیسیون های خانه زاد امپریالیسم جهانی نبوده، حتی از گمانه زنی و محتمل دانستن واقعه کودک هیولائی که ممکن است محصول گرد و غبار اورانیوم ضعیف شده باشد، امتناع می ورزند. به همین علت بود که برخی از نشریات اینترنتی در خارج از کشور، وقتی برای نخستین بار نویسنده این سطور مقالاتی درباره اورانیوم ضعیف شده را منتشر کرد، تصور می کردند که اشتباهی روی داده و نویسنده اورانیوم غنی را به شکل ضعیف شده نوشته است، و در واقع چیزی از مدل ضعیف شده نشنیده بودند، چون که مثل رسانه های حاکم در سطح جهانی تمرکزشان روی غنی سازی اورانیوم در ایران بود.

در حالی که برای آنهایی که می خواهند واقعیت را بدانند، برای پژوهشگران واقعی تردید کردن، و مفروض شدن ماهیتهای تخیلی و حتی غیر واقعی امری عادی به نظر می رسد.

بی اعتباری این اپوزیسیون ها، مشخصاً در جایی روشن می گردد که در آن جا غایب هستند، به شکلی که حتی حاضر نیستند - چنین امری را - که ممکن است تولد کودک هیولائی در ایران با غبارهای اورانیوم ضعیف شده نسبتی داشته باشد - در حالت فرضی در نظر بگیرند.

در اینگونه موارد است که اپوزیسیون های ایرانی کاملاً در مقایسه با جمهوری اسلامی، در اذهان عمومی ایرانیان بی اعتبار می شود، زیرا همین دولت مذهبی و قرون وسطائی در این گونه موارد، و در دفاع از حقوق قانونی ملت ایران خیلی بیشتر احساس مسؤولیت می کند. در حالی که اپوزیسیون های ایرانی با تبعیت از قدرت بهیمی دولت ملت های غرب امپریالیستی، مستقیماً در اقدام به قطع نسل ملت ایران شرکت دارند.

و همین مورد خاص به تنهائی نشان می دهد که این به اصطلاح اپوزیسیون ها تا چه اندازه حقانیت دارند. برای درک واقعیت این اپوزیسیون «ایرانی» ما نیاز به چیزی بیشتر از این نداریم تا بی اعتباری و خیانتشان را کشف کنیم. ولی واقعیت اورانیوم ضعیف شده فراتر از آن است که بتوان آن را مدت زیادی کتمان کرد. به همان شکلی که وابستگی اپوزیسیون های ایرانی و خاصه وابستگی طرفداران رسمی حقوق بشر به جنایتکاران بین المللی فراتر از آن است که واجد اعتبار نزد مردم ایران و دیگر مردمان تحت ستم جهان باشد.

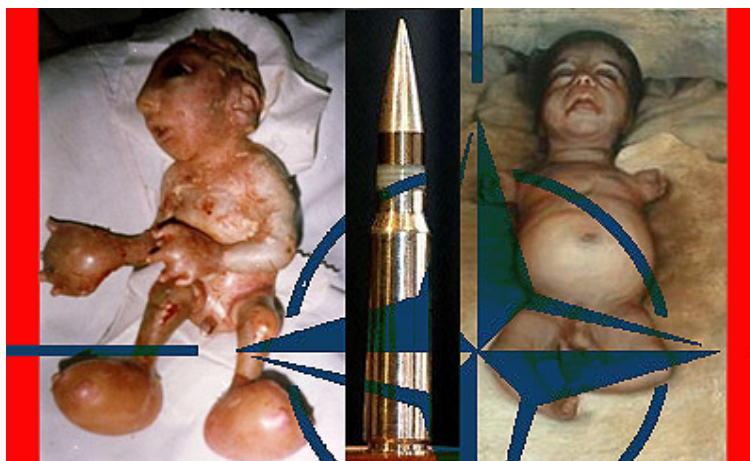
درباره اورانیوم ضعیف شده

و

هشدار به ارتش ایران

پیش به سوی

منع سلاح های اتمی در جهان



پیش از این مطالب متعددی درباره کاربرد اورانیوم ضعیف شده در جنگ های معاصر توسط امریکا و برخی دیگر از کشورهای اروپا جمع آوری کرده و در اختیار همگان قرار دادیم. و به همین ترتیب از طرفداران ایرانی حقوق بشر و تارک نشینان آن از طریق سایت های رسمی شان پرسش هایی در رابطه با این موضوع مطرح کردیم که تا امروز بی جواب باقی مانده است. و کاملاً طبیعی است که آنها چنین پرسش هایی را بی جواب بگذارند. و نه این که ما ندانیم که این به اصطلاح «مدافعان حقوق بشر» در واقع چه کاره هستند، ولی تنها می خواستیم با طرح مسائلی چند در پیشگاه خوانندگان، و به عنوان تجربه ای عینی در زمینه اجتماعی، عملاً نشان دهیم که حقوق بشری ها چه کاره هستند، و نشان دهیم که ما در جنگ علیه دولت ملت های امپریالیستی که عملاً با کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده و آلوده ساختن محیط زیست ما برای همیشه و برای ابد، به قطع نسل ما اقدام کرده اند. و ما با مدافعان حقوق بشر مانند هر قاتل، هر بزه کار و تروریست خطرناک دیگر باید مقابله کنیم.

اخیراً به دلیل هیجاناتی که رسانه های جهانی در حمله احتمالی به ایران ایجاد کردند، بر آن شدم تا برای هزار و چهاردهمین بار سایت های نظامی ایران را خصوصاً هر آن چه که به پدافند هوایی مربوط می شد زیر رو کنم و به این ترتیب بود که کشف کردم که حداقل یکی از سلاح های ارتش ایران نیز از اورانیوم رقیق شده استفاده می کند.

سلاح مورد نظر نوعی موشک هوا به هوا به نام آر. ۶۰ آفید است که سرچنگی آن شش کیلو گرم و ۱،۶ کیلوگرم آن اورانیوم رقیق شده است. من بیش از این نمی گویم ولی برای اطلاعات بیشتر می توانید به سایت زیر مراجعه کنید

<http://www.cloob.com/club/post/show/clubname/emaaad/topicid/77625/wrapper/true>

پرسش این است که ارتش ایران تا چه اندازه مجهز به سلاح هائی است که از اورانیوم ضعیف شده به کار می برد؟

بیانیه

هشدار به ارتش ایران

به اورانیوم ضعیف شده بگویند نه!

تا روزی که بشریت هنوز در ماقبل تاریخ به سر می برد، تا زمانی که نظام سرمایه داری بر جهان حکومت می کند و تا زمانی که فرهنگ سرمایه داری رواج دارد، و خلاصه تا زمانی که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید در پیوند با نژاد پرستی و ملیت گرایی و در پی آن ملیت سازی، و تبعیض طبقاتی وجود دارد، و تا زمانی که سوسیالیسم جهانی برقرار نشده و بشریت همچنان در عصر بهیمیت به سر می برد، هیچ تفاوت بنیادی میان جوامع سرمایه داری و موریانه ها دیده نمی شود که برای چپاول ذخیره دیگران جنگ به پا می کنند، و ... آری بمباران هوایی اختراع انسان نبوده و اختراع بمباران هوایی را باید از آن مخترعان اولیه آن یعنی موریانه ها بدانیم، ... در نتیجه تا روزی که بشر هنوز کاملاً از طبیعت فاصله نگرفته و از خوی حیوانی بیرون نیامده است، متأسفانه تمام ملت های جهان نیازمند ارتش و نیروهای امنیتی هستند. در عین حال دفاع و ایجاد ارتش باز دارند که شرط مقدم هر گونه پیشرفت و سازندگی و دموکراسی و آزادی می باشد جزء لاینفک فرهنگ تمام ملت ها نیز به نظر می رسد. البته عقل حکم می کند که برای خلع سلاح جهانی مبارزه کنیم، و به همین علت کمونیست ها همیشه پیشگام بوده اند، و فیدل کاسترو را می بینیم که حتی از روی تخت بیمارستان برای خلع سلاح اتمی و غیر اتمی جهان شعار می دهد. ولی واقعیات جهان پیرامون همیشه به نفع بشریت نبوده است، و آرزومندی های بیمارناک مشتی سرمایه دار و جاه طلبی های بیمارناک شرکت های چند ملیتی، با تمام جلوه گاه های طبقاتی و نژاد پرستانه در سطح توده های «فاشیست» غرب، بخش دیگر جهان را به مقابله مجبور می سازد: جنگ تحمیلی برای ما ایرانیان به ویژه نام آشنائی است.

با این وجود ما باید علیه کاربرد سلاح های ضعیف شده در سطح بین المللی مبارزه کنیم، و سازندگان اسلحه مثل مارسل دسو را به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه محاکمه کنیم.

در نتیجه، ما با کاربرد سلاح هائی همانند موشک های آر ۶۰ آفید قویاً مخالف هستیم و از ارتش ایران می خواهیم که یک بار دیگر سلاح های خود را به آزمون فرهنگی قرار دهد. احتمالاً این موشک های هوا به هوا ساخت خود امریکا می باشد و خود فروشندگان نیز می دانند که چه ماده مسمومی را به ایران فروخته اند. ما برای پیروزی علیه دشمنان نوع بشر یعنی در جنگ علیه تهاجمات امپریالیسم غرب، استفاده از هر سلاحی را جایز نمی دانیم و از دیدگاه ستراتیژیک بر این باور هستیم که استفاده از سلاح های اورانیوم ضعیف شده و نسل برانداز را باید منع کنیم. علم ستراتیژی اگر علم حفاظت و امنیت و تداوم بقاء جامعه است، در این صورت استفاده از اورانیوم ضعیف شده اگر چه ابزار رزمی دشمن را نابود می کند ولی تأثیراتش بر محیط اطراف تقریباً ابدی خواهد بود. تمهیدات دفاعی مردم ایران و خلق های محروم در اقصا نقاط جهان در رویارویی با تهاجمات مردم خاصی نیست، بلکه در رویارویی با نظام سرمایه داری بوده و چنین جنگی تنها به رویارویی سخت افزاری محدود نمی شود بلکه فرهنگی و اخلاقی نیز هست.

دستان ارتش ایران نباید به سلاح های پلید و ضد بشری آلوده شود و باید دانست که استفاده از اورانیوم ضعیف شده جنایت علیه بشریت است. البته تا امروز امپریالیسم جهانی هنوز سلاح های اورانیوم ضعیف شده را به مثابه سلاح های متعارف تعبیر می کند و کشورهای ناتو به ویژه ایالات متحده و فرانسه، به شکل گسترده از آن در جنگ علیه یوگوسلاوی، عراق و افغانستان استفاده کرده اند.

ولی امپریالیسم امریکا و یارانش از دیدگاه تاریخ بشری محکوم هستند و به ماقبل تاریخ تعلق دارند، زیرا آنها مشخصا از چنین سلاح هائی در جنگ های معاصر استفاده کردند و به همین علت متهم به جنایت علیه بشریت هستند. و در این کار البته یکی از ضرب المثل های ما را نیز بی اعتبار ساختند که می گویند : «چاقو دسته اش را نمی برد»، زیرا پدران نخستین کودکان اورانیوم ضعیف شده و هیولائی از بین سربازان امریکائی بودند. آری نخستین قربانیان اورانیوم ضعیف شده همانهائی بودند که این سلاح را به کار می بردند و احساس پیروزی می کردند. ما هنوز از تعداد دقیق قربانیان بی اطلاع هستیم. ولی ستراتیژی دشمنان نوع بشر یعنی ایالات متحده و اروپا با شعار صفر کشته، یعنی بی هیچ خسارت انسانی از سوی اروپا و امریکا، و کشتار گسترده مردم به ویژه از بین غیر نظامیان، با شکست مواجه شده است، ولی هم چنان به یاری دستگاه های رسانه ای که در اختیار دارند، این واقعیت را پنهان نگهداشته اند. ارتش ایالات متحده بیش از همه در خاک خودش، یعنی هنگامی که سربازان میدان نبرد را ترک می کنند و به خانه هایشان باز می گردند، تلفات می دهد. در ۸۰ دقیقه یک سرباز به دلایل روانی و افسردگی خودکشی می کند (این موضوعات با دقت بیشتری در مقالات گاهنامه هنر و مبارزه منتشر شده است) و هزاران نفر از این سربازان قدیمی به بیماری های علاج ناپذیر مبتلا شده و دارفانی را یا وداع گفته اند و یا با تحمل عوارض دردناک در حال مرگ هستند.

در جنگ علیه دشمنان نوع بشر
از سلاح های اورانیوم ضعیف شده استفاده نکنید!
زیرا سلاح اورانیوم ضعیف شده
همان دشمن نوع بشر است
جنس اورانیوم ضعیف شده نیز
از جنس سرمایه داری و لیبرال است :
مؤثر، مختصر، کم هزینه با بازدهی بالا

حمید محوی

پاریس شنبه، ۴ سپتامبر ۲۰۱۰



گاهنامه هنر و مبارزه

۳۱ مارچ ۲۰۱۱

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/61>

Libye, le Fukushima de la guerre

par Manlio Dinucci

Traduit du français par Hamid Mahvi

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=24035>

لیبیا، فوکوشیمای جنگ

ملینو دینوچی

ترجمه از فرانسه توسط حمید محوی



, Le 30 mars 2011 [Mondialisation.ca](http://www.mondialisation.ca)



در حالی که سکان فرماندهی با نام کد «پروکتور یونیفیه» (حمایت متفقین) از دست ژنرال ایالات متحده آمریکا که فرماندهی بخش افریقا را به عهده دارد به دست آرمیرال ایالات متحده که اتحادیه آتلانتیک را هدایت می کند منتقل می گردد، ناتو اعلام می کند که هدفش «حمایت از شهروندان و مناطق شهری» است.

چنین ادعائی با شلیک صدها پهپاد «تاماهاک» که اکثرا به کلاهک اورانیوم ضعیف شده مسلح است به انجام رسید که همان گونه که می دانیم تأثیرات مخرب بر محیط زیست طبیعی و سلامت انسان بسیار اسفناک است (به مقاله پروفیسور ماسیمو زوجتی مراجعه کنید) (۱). این پهپادها (یا موشک ها) از ناوهای جنگی یا زیر دریائی ها پرتاب می شود : ناوهای ایالات متحده آمریکا مانند «پروویدانس»، «فلورید» و «اسکراتون» که پس از عبور از ناپل، از بندر اوگوستا در سیسیل به عنوان پایگاه استفاده می کند.

این ناوها دارای راکتور اتمی هستند و از راکتور هائی که مصیبت فوکوشیما را به وجود آوردند خطرناک تر است. در واقع سامانه امنیتی ناچیزی دارند، و غالبا دچار سانحه و اشکال فنی می شده و در عمل کرد عادی شان نیز مولد رادیو آکتیو و آلاینده هستند.

این راکتور های هسته ئی با این که نمی توانند از مقامات مدنی لیسانس فعالیت بگیرند، با این وجود وارد بنادر ایتالیا می شوند. کلاهک های اورانیوم ضعیف شده دیگری در بمب های هوشمند به وزن هزار کیلوگرم است که از روی ب ۲ هائی که از میسوری به فاصله ۱۰۰۰۰ کیلومتر از تریپولی به پرواز در می آید و با حمل ۱۵ فروند از این بمب های هوشمند، از فاصله ۵۰ کیلومتری به طرف هدف شلیک می شود. این بمب ها از روی بمب افکن های ستراتیژیک دیگری مانند ب ۱ نیز می تواند پرتاب شود. ب- یک ها از مورون در اسپانیا به پرواز در می آیند و ده ها بمب هوشمند پرتاب می کنند.



GBU-31, un bombe Mk 84 de 453 Kg équipé d'un GPS



AC-130 Specter

علاوه بر این ها مهمات دیگری از جنس اورانیوم ضعیف شده از دژهای پرنده ای به نام آ. ۱۰ ناندربولت (رعد)، و آ. ۱۳۰ اسپیکتر پرتاب می شود که در واقع برای پیش روی های شورشگران نقش جاده صاف کن را بازی می کند. آ. ۱۰ مسلح به توپ «وانزور» با هفت لول چرخشی ۳۰ میلیمتری : ۳۹۰۰ گلوله در دقیقه شلیک می کند، مهمات

این سلاح نسل برانداز می تواند از جنس اورانیوم ضعیف شده و یا آتش را با توان انفجاری بسیار بالا باشد. دومی (آ ۱۳۰ اسپکتر) که یک توپخانه پرنده است، پیچیده ترین سلاح نیروی هوایی در جهان به حساب می آید : به وسیله سامانه پیچیده ای برای هدف گیری، هم زمان با ۶ توپ شلیک می کند که دو تا از آنها ۱۰۵ میلیمتری است و یک «ولکان» که ۶۰۰۰ گلوله در دقیقه شلیک می کند.

کاربرد اورانیوم ضعیف شده برای اهداف نظامی مزیت های متعددی دارد : به عنوان زباله اتمی نیازی هزینه نگهداری ندارد، علاوه بر این با آن می توان با هزینه بسیار ناچیزی کلاهک مهمات بسیار مؤثری ساخت (چند دلار برای یک کیلو) که در جداره تانک، زره پوش و استحکامات بتون آرمه ای به راحتی عبور می کند. این نوع سلاح هنگام انفجار در درون حرارتی معادل چند هزار درجه سانتی گراد ایجاد می کند. این گلوله ها در انفجار سهمگین خود غبار رادیو آکتیو تولید می کنند و دقیقا همین غبار ها است که به تولد کودکان هیولائی برای نسل های آینده تبدیل می شود. بعید نیست که اورانیوم ضعیف شده ای که در لیبیا موجب مرگ می شود از رآکتورهای فوکو شیما نیامده باشد که حالا در ژاپن مرگ می پراکند. سکان فرماندهی همواره بر محور حمایت متفقین است.

ادامه دارد